

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ جون ۲۰۲۱

سفارت امریکا و "اردوی ایلہ جار"؟!

(۲)

دوشنبه- ۰۷ سرطان ۱۴۰۰ - کابل:

۵- در این قسمت نوشته، باز هم شما را با خود به دیدن آن همکار قبلی ما که به ارگ راه یافته و به گفته مردم "زمین را می گوید منت دار باش که بالایت راه می روم"، می برم و شما را با آنچه کمتر کسی از آن اطلاع دارد، آشنا می سازم. طبق گفته های وی:

"فشار روز افزون طالب و گسترش ساحه نفوذ شان به صورت مداوم و سریع، بی ایمانی و ضعف نیروهای امنیتی معاشخور و ناتوانی دولت در تقویت مادی-تخنیکی و روانی آنها که سقوط پیهم ولسوالی ها را به دنبال داشت و تک صدا هائی هر چند ضعیف مگر دل نشین "چپ های بی مسؤولیت"- در اینجا همان ضرب المثل معروف مردم کابل که گویند، "پیشت بنشینم و ریشت بکنم" صدق می نماید زیرا همکار قبلی، اشاره اش به طیفی است که من هم بدان تعلق دارم- که همه روزه تشکیل کمیته های دفاع از خود مستقل را شعار می دهند و از همه جدی تر آغاز برخی حرکتی که آغاز خیزش های مردمی نوع سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ علیه حاکمیت نوکران روس را تداعی می نمود، ارگ و سفارت افغانستان و قومندانی نیروهای مسلح اشغالگران را در موقعیتی قرار داد که بین بد و بدتر می بایست یکی را انتخاب نمایند:

یا می بایست قصه موافقتنامه دوحه را مفت اعلام نموده، ضمن توقف خروج عساکر به تقویت مجدد عساکر پرداخته، عملاً در کنار اردوی افغانستان وارد جنگ می شدند و تبعات انعکاسات این چرخش را در داخل امریکا با در نظر داشت افکاری که "ترمپ" بین مردم امریکا به ارتباط بیهوده دانستن جنگ و ختم آن به وجود آورده بپذیرد و همزمان در سطح جهانی نیز دولت امریکا را با چنین دمدمی مزاجی گری ریشخند سازد و بدیل دیگر این که با حرکت از تکتیک استفاده از بد علیه بدتر، دست کمک به جانب جنگسالاران و ناقضان حقوق بشر دراز نموده، با تمویل و تسلیح آنها از یک جانب از سقوط سریع دولت دست نشانده جلوگیری نمایند و از جانب دیگر امکان ابتکار ایجاد کمیته های دفاع از خود مستقل را نیز از طرفدارانش بگیرند.

۶- قبل از تطبیق این برنامه نخست می بایست "دوستم" را که خودسرانه به چنین حرکتی دست یازیده بود، به مثابه یک هوشدار موقتاً از صحنه بیرون می نمودند که با خوردن اندکی زهر به خودش و پسرش، ضمن آن که به "دوستم"

فهماندند که می بایست تحرکاتش را با ارگ و سفارت هماهنگ می ساخت، موقتاً وی را از صحنه بیرون نمودند، تا دیگران نیز متوجه شوند که می توانند باز هم بر طبل تفنگسالاری بکوبند، مشروط بر آن که با موافقت ارگ و سفارت امریکا باشد.

از آنجائی که ارگ دیگر مورد اعتماد هیچ فردی قرار نداشت، سفارت امریکا و شخص "مولر" قومندان قوای امریکائی در افغانستان، در طی تماسهای جدا گانه با "امان الله گذر، عطا محمد نور، اسماعیل خان، محمد محقق، خلیلی، و پسر دوستم" و تعداد دیگری از جنگسالاران معروف مربوط جهادپرست ها و داعیان اسلام سیاسی، از آنها خواستند تا با بسیج مردم و طرفداران شان در ازای دریافت پول به کمک دولت دست نشانده بشتابند.

آن باند ها که در طول حیات ننگین شان به جز تجارت مرگ کار دیگری انجام نداده اند و مدتها بود که یا از بیکاری رنج می بردند و یا هم به خس دزدی و خشره خوری مصروف بودند، پیشنهاد مشترک ارگ و سفارت امریکا را ندای آسمانی دانسته، مورد قبول قرار دادند. طبق نجوا های شنیده شده در این تجارت "دوستم، امان الله گذر و عطا محمد نور" هر یک ۱۰ میلیون دالر، به بقیه افراد از ۲ الی ۷ میلیون دالر قرار است داده شود البته مصارف تسلیحاتی و اکمالاتی شامل این پول نمی باشد. باز هم طبق همان نجوا ها، گویا "خلیلی" و "اسماعیل" خان تاحال به علت کمی مقدار پول موافقت شان را اعلام نکرده اند"

هموطنان گرامی!

آنچه در سطور بالا از نظرتان گذشت، خلاصه و چکیده مطالبیست که همکار قبلی ما با آب و تاب و با افتخار از آن یاد نموده می خواست به ما ثابت نماید که "دولت" بیدار است و نسبت به تمام رقبایش پیش گامتر. این که دولت دست نشانده واقعاً بیدار است و یا خیر، بحث آن را می گذاریم برای شما خوانندگان گرامی، آنچه برای این قلم ارزشمند است درک این نکات است که اولاً سفارت امریکا از این تسلیح لگام گسیخته جنگ سالاران درکل چه می خواهد و در ثانی چرا این حرکت صرف در مناطق اقوام معینی تمرکز یافته و سراسری نیست؟

ادامه دارد